انترناسیونال 814

**موقعیت و نقش جدید جنبش کارگری در ایران**

**سخنرانی محسن ابراهیمی در مراسم روز جهانی کارگر در تورنتو**

من هم به سهم خودم روز جهانی کارگران را به همه شما عزیزان، به همه کارگران و به همه انسانهایی که برای آزادی، برای برابری مبارزه میکنند صمیمانه تبریک میگویم.

عنوان سخنرانی من موقعیت و نقش جدید جنبش کارگری در ایران است. ای کاش فرصت میشد یک مقدار وسیعتر در رابطه با شرایط جهان و اینکه سرمایه داری چه بلایی سر مردم میاورد صحبت کنیم و وضعیت جنبش کارگری در دنیا. ولی مقدمتا خیلی کوتاه میخواهم به این موضوع اشاره کنم که شاید یک زمینه برای بحث من که میخواهم متمرکز بشوم روی ایران باشد.

واقعا لازم نیست در دنیای امروز ما از اطلاعات، از آمار و ارقام خیلی وسیعی اطلاع داشته باشیم که متوجه بشویم واقعا این نظام چه بلایی سر اکثریت جامعه دارد میاورد.

آکسفام که یکی از مراکز سنجش وضعیت مردم در دنیاست، در آخرین اطلاعاتی که اعلام کرده است، گفته که یک میلیارد مردم جهان دستمزدشان روزانه 1 دلار و 25 سنت است. در مقابل 80 سرمایه دار برجسته دنیا به اندازه همین یک میلیارد مردم دنیا ثروت دارند.

واقعا همین کافی نیست که وضعیتی را که جهان سرمایه داری، مناسبات سرمایه داری سر مردم آورده است متوجه شویم؟ معلوم است آن یک میلیارد که با 1 دلار و 25 سنت دارند زندگی میکنند، عواقب زندگی، محیط زندگی، شرایط زندگیشان چه هست. معلوم است محصول زندگی زیر 1 دلار و 25 سنت تن فروشی است، کودکان کار است، بیخانمانی است، و تمام عوارض بدبختی و فلاکتی که توی دنیا داریم می بینیم. معلوم است همه اینها را آنها - سرمایه داری و سرمایه داران- دارند تولید میکند. میخواهم بگویم که ما لازم نیست خیلی اطلاعات داشته باشیم. داریم وضعیت را می بینیم.

در باره محیط زیست، سخنرانان قبلا صحبت کردند. محیط زیست را بسرعت دارند ویران میکنند و در حالیکه بسرعت دارند ویران میکنند، سران دولتها، دولتهای دمکراسی غربی با بیشرمی تمام دارند میگویند که هیچ خبری نیست. چرا این را دارند میگویند؟ برای ما روشن است که به این خاطر میگویند که نمیخواهند حتی ذره ای از سودی که دارند میبرند پایین بیاید. نمیخواهند برای تکنولوژی جدید مثلا هزینه بکنند و کارخانه هایشان را آپدیت کنند. برای اینکه صرف نمیکند و برایشان محیط زیست مهم نیست و خیلی صریح و روشن هم انکار میکنند چون برایشان بشر، انسان، طبیعت، محیط زیست، هیچ چیز برایشان مهم نیست غیر از سود.

و خوب میدانیم که جدا از اینها انواع و اقسام جریانات سیاسی فاشیست و مذهبی محصول مستقیم خود این نظام است. از حکومت اسلامی چهل سال پیش گرفته تا طالبان و غیره. همه اینها را ما میدانیم که محصول نظام سرمایه داری است. یک جایی همه اینها را نیاز داشتند و تولید کردند و به جان مردم انداختند.

شرایطی که نظام سرمایه داری در دنیا بوجود آورده است قابل تحمل نیست ولی خود این نظام هم برای این شرایط پاسخ ندارد. این نظام از لحاظ سیاسی و از لحاظ ایدئولوژیک به طور کامل ورشکسته است. پاسخ هیچکدام از این مسائل را ندارد چرا که این مسائل را خودش بوجود آورده است. مبنای تمام این اتفاقاتی که در جهان دارد رخ میدهد، از طبیعت تا وضعیت فلاکتبار میلیونها مردم در دنیا - میلیاردها مردم باید بگویم - محصول نظام طبقاتی سرمایه داری است. این را خودشان قبول دارند و معلوم است که اینها نمیتوانند پاسخ بدهند.

حتی در رابطه با محیط زیست اگر مثلا بخواهیم صحبت کنیم، جواب محیط زیست، ما فقط نمیگوییم که سوسیالسم است. ما فقط نمیگوییم بازار آزاد و نظام طبقاتی نمیتواند به مسائل محیط زیست پاسخ بدهد چون خودش دارد ویران میکند. جواب محیط زیست، خود بیل گیت، یکی از همین هشتاد نفر صریحا گفته است سوسیالیسم است. محیط زیست را فقط سوسیالیسم - عین جملات بیل گیت است - میتواند نجات دهد، بازار آزاد نمیتواند. ما میگوییم بازار آزاد نه تنها نمیتواند بلکه سرمایه داری کلا منشا این وضیعت است که درست کرده اند.

در هر صورت من عنوان صحبتم کلا مربوط به دنیا و شرایط جهان نیست. بحثم مشخصا موقعیت جدید جنبش کارگری در ایران است. و این مهم است. جنبش کارگری در ایران مهم است. نه تنها به این خاطر که ایران از لحاظ موقعیت جهانیش، موقعیت سیاسی اش در جهان، و اینکه یک حکومتی آنجا حاکم است و اگر در ایران تغییراتی بوجود بیاید و این تغییرات به سمت چپ برود، چه اتفاقاتی در خود ایران و جهان رخ میدهد مهم است. ایران مهم است مخصوصا به این خاطر که در سالهای اخیر دیدیم و روشن دیدیم که یک جنبش کارگری عظیمی با تصویری فوق العاده رادیکال و قدرتمند شکل گرفته است و این جبنش همچنان شکل میگیرید و پیش میرود.

من خواستم به مشخصات این جنبش اشاره کوتاهی بکنم که این مشخصات نشان میدهد که جنبش کارگری در ایران دارد به سمتی میرود که از طبقه کارگر انتظار میرود. در مورد این انتظار بعدا حرف میزنم.

آن مشخصات چه ها هستند؟

من هشت مورد را اینجا مطرح میکنم که به نظرم من فوق العاده مهم هستند:

1. شکل اعتراض عوض شده است. در دهسال گذشته و مشخصا در سال 97، اعتراض دیگر محدود به کارخانه نیست. اعتراض به خیابان، به شهر، به محله، به مقابل استانداریها و فرمانداریها و نهادهای سیاسی کشیده شده است و نه تنها این بلکه مردم و خانواده ها در سطح وسیع در اعتراضات کارگری در سالهای گذشته و مخصوصا در سال 97 شرکت کرده اند.
2. شعارها طبقاتی تر و ضد حکومتی تر شده اند. برای مثال به این شعارها دقت کنید: حقوقهای نجومی فلاکت عمومی، کارگر بیدار است از استثمار بیزار است، نه حاکم نه دولت نیستند به فکر ملت، زیر بار ستم نمیکنیم زندگی.

به این شعار خوب نگاه کنید: نه حاکم نه دولت نیستند به فکر ملت. این دقیقا شبیه آن شعاری است که در قیام سال 96 مردم گفتند که نه اصولگرا، نه اصلاح طلب و هیچکدام را قبول نداریم و به این معنا گفتند کلیت حکومت را دیگر باید بگذاریم کنار. همین شعار در اعتراضات کارگری ادامه پیدا کرد. با همین شعار بالا به یک معنا ادامه پیدا کرد. همین الان اینجا {در برنامه و ویدیو کلیپها} توی شعارها دیدید که "استثماربیکاری پرچم سرمایه داری" یکی از شعارهای کارگران در خیابانها بود.

1. اعتصابات از حالت محلی در آمد و سراسری شد. ما خیلی از اعتصابات و اعتراضات در سال گذشته را دیدیم که از محله و منطقه فراتر رفت. کارگران راه آهن، بازنشستگان، پرستاران، کامیونداران و رانندگان کامیون، و در کردستان بعد از اعدام سه جوان دیدیم که در سطح سراسری مردم به اعتصاب پیوستند.
2. خواستها فراصنفی شد. کارگران دیگر فقط برای حقوق و دستمزد خودشان یا امنیت شغلی مبارزه نمیکنند. این را در شعارهایشان کاملا نشان دادند. کارگران، طبقه کارگر در اعتراضاتش، در اعتصاباتش از بهداشت مجانی، از آموزش مجانی، از برابری زن و مرد، از اینکه اعدام در این جامعه نباید باشد، از اینکه کودکان کار نباید باشند، از اینها دارند صحبت میکنند. یعنی به یک معنا کارگر بسیار از آن نیازهایی که خودش به عنوان یک کارگر دارد فراتر رفته است و به عنوان نماینده، به عنوان سخنگو، به عنوان کسی که، طبقه ای که، جنبشی که در فکر آزای و رهایی همه اقشار جامعه، همه انسانهایی که در آن جامعه دارند زندگی میکنند ظاهر شده است. این یکی از مشخصات مهم جنبش کارگری در سال گذشته بود.
3. شورا و اداره شورایی جامعه: این یکی از گامهای مهم و جدی جنبش کارگری در سال گذشته بود که به یمن اعتصاب قدرتمند هفت تپه، و به یمن سخنرانیهای اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران، شورا نه تنها به گفتمان در جامعه تبدیل شد بلکه در جامعه، در میان طبقه کارگر ما دیدیم که دارند تشکیل شورا را پراتیک میکنند. کارگران عملا دارند در خیلی جاها برای پیشبرد مبارزه و اعتراضشان شورا تشکیل میدهند.
4. چهره و شخصیتهای کارگری: در جامعه ایران اگر نشود گفت بیسابقه، قطعا کم سابقه است که چهره ها و شخصیتهای کارگری بیایند جلو. میدانیم که همه جریانات اپوزیسیون راست معمولا شخصیتها و چهره هایی داشتند در تاریخ ایران ولی کارگران محروم بودند چون دیکتاتوری، استبداد و خفقان واقعا نمیگذاشت. در سالهای گذشته این کمبود نه تنها جبران شده است بلکه در سال 97 از درون اعتصابات کارگری چهره های جدید کارگر به عنوان رهبران محبوب نه فقط کارگران، نه فقط آن اعتراضات، نه فقط آن اعتصابات، بلکه رهبران کارگری محبوب کل جامعه ظاهر شدند. اسماعیل بخشی، جعفر عظیم زاده، اینها فقط دوتن از این رهبران هستند که تعدادشان خیلی زیاد است.

این یک پیشروی جدی برای جنبش کارگری در ایران، برای جنبش رهاییبخش در ایران است که جامعه ایران الان فقط با رهبران وشخصیتهای سیاسی انواع و اقسام اپوزیسیون ارتجاعی و اپوزیسیون راست مواجه نیست. شخصیتهای سیاسی کارگری، سوسیالیست، برابری طلب هستند که محبوب جامعه هستند و جامعه به آنها نگاه میکند که چه دارند میگویند و چه راهی نشان میدهند.

1. اتحاد کارگری در سالهای گذشته مخصوصا سال 97 بسرعت پیش رفت. کارگران در سطح وسیعتر متحد شدند. اگر یادتان باشد وقتی بعد از هفت تپه در فولاد اهواز اعتصاب شد چطور کارگران هفت تپه، یا برعکس فولاد اهواز از کارگران هفت تپه با شعار اتحاد اتحاد حمایت کردند. دانشجویان از کارگران حمایت کردند. اقشار مختلف طبقه کارگر از همدیگر حمایت کردند.
2. و بالاخره جنبش کارگری آنقدر پیش رفت، آنقدر قوی بود که راست، جریانات راست هم مجبور شدند از "کارگران عزیز" حرف بزنند، به "کارگران عزیز" درود بفرستند و در رسانه هایشان گزارش از اخبار کارگری و اعتراضات کارگری منعکس کنند. کسانی که هرگز این کار را نمی کردند. در باره کوچکترین حرکت مثلا خاتمی و جریانات اصلاح طلب روزها برنامه میگذاشتند ولی هرگز از کارگر حرف نمیزدند. ولی در سال گذشته بعد از این پیشروی جنبش کارگری اینها شروع کردند بالاخره به کارگران درود بفرستند! من مطمئنم اول مه امسال شما خواهید دید که همین شخصیتهای راستی که اگر سرکار بیایند روشن است که چه سیستمی را میخواهند در آن جامعه پیش ببرند – و این کاملا روشن است - به کارگران و به مناسبت اول مه درود خواهند فرستاد. اینها همه نشان دهنده پیشروی قدرتمند جنبش کارگری است. یا بهتر است بگویم نشان دهنده جنبش کارگری در موقعیت فوق العاده جدیدی است که در ایران کم سابقه است.

و همه اینها را وقتی در نظر میگیریم کاملا معلوم است که چرا جمهوری اسلامی را وحشت برداشته است که بالاخره آمد و مجبور شد در مقابل جامعه بگوید که این اعتراضاتی که دارد میشود، این اعتراضات به نظر میاید که یک "کمونیسم جدیدی" را دارند نشان میدهند و "کارگری کمونیستی" است. این را روزنامه رسالت در سرمقاله اش نوشته است. عین جملاتش در سرمقاله اش است که اشاره کرده است به جنبش کارگری و تصویری از این جنبش داده است که به نظر میاید که "کارگری کمونیستی" است و یک "کمونیسم جدید" دارد شکل میگیرد.

به نظر من این را باید جدی گرفت. بورژوازی و سرمایه داری و طبقه حاکم وقتی اینجوری در مورد جامعه حرف میزنند، کاملا نشان میدهد که آن جنبش آنقدر پیشروی کرده است، آنقدر ظاهر شده است، آنقدر قدرتمند شده است که دشمن اصلیش که حکومت اسلامی است قدرتش را پذیرفته است و مجبورشده همین را رو به جامعه اعتراف کند.

همه این تصویری که مطرح کردم، به نظر من جنبش کارگری ایران را دارد به سرعت به مقطعی میرساند که اول صحبتم گفتم از طبقه کارگر انتظار میرود. آن انتظار چیست؟

ما همیشه میگوییم که طبقه کارگر، فقط طبقه کارگر میتواند دنیا را از سرمایه داری و کل جامعه را رها کند. چرا این را میگوییم؟ به این خاطر که مبنای تمام تبعیضات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه نظام سرمایه داری است. کارگر برای اینکه خودش را رها کند باید از این نظام سرمایه داری رها شود. باید مبنای این نظام را در هم بریزد. برای اینکه کارگر از بردگی مزدی رها شود باید نظام سرمایه داری را زیر و رو کند. باید کل این سیستم را کاملا وارونه کند. به این معنا کارگر برای رهایی خودش باید سرمایه داری را نابود کند یعنی مبنای تمام تبعیضات اجتماعی و سیاسی و فقر و فلاکت و بدبختی و مذهب و همه اینها را زیرش را بزند و به این معنا کارگر رهاییبخش کل جامعه است.

طبقه کارگر به خاطر موقعیتش که الان صحبت کردم رهاییبخش کل جامعه است. باید خودش را رها کند و برای رها کردن خودش باید نظام سرمایه داری را نابود کند و نظام سرمایه داری اگر قبول داریم که مبنای همه تبعیضها است، مبنای همه این وضعیتی است که الان در دنیا حاکم است، اگر این را قبول داریم پس کارگر با زدن زیر مبنای آن نظام تبعیض آمیز شرایطی را فراهم میکند که تمام جامعه، تمام انسانها رها بشوند.

جنبش کارگری ایران دارد به این سمت نزدیک میشود. دارد به این لحظات نزدیک میشود. دقیقا به خاطر همین مشخصاتی که من اشاره کردم و واقعی هستند. اینها مشخصاتی نیستند که ما داریم مثلا بر اساس آرزوهایمان میگوییم. درهمین ویدیوکلیپها هرکس نگاه کند که تعداد زیادی هم هستند کاملا متوجه این حقیقت میشود.

ولی من میخواهم اینجا تاکید کنم که همه مشخصاتی که من اینجا شمردم که نشاندهنده یک پیشروی، یک جهش جدی در جنبش کارگری ایران است، اما هنوز یک چیز کم است در جامعه ایران، در مبارزه سیاسی ایران علی العموم و مشخصا در جنبش کارگری ایران. آن هم تحزب سیاسی است. تحزب سیاسی در جامعه ایران را نمیگویم. جامعه ایران نسبت به سالهای گذشته خیلی متحزب، خیلی تحزب یافته تر است. این خیلی روشن است. هم چپ و هم راست. مخصوصا چپ. کمونیسم کارگری برای مثال یک جنبشی است در جامعه ایران که بسیار وسیعتر از حزب خود ما، حزب کمونیست کارگری است. در جامعه هر انسانی که آزادی میخواهد، برابری میخواهد، و میخواهد واقعا از این نظام، از این سیستم رها شود معلوم است جزو این جنبش است. جنبشی که بطور صریح میگوید جامعه، همه شهروندان باید مثل انسان و برابر زندگی کنند. جامعه ایران پر از این چنین انسانهایی است. میخواهم بگویم این جنبش خودش خیلی وسیع است. احزاب سیاسی خیلی وسیعی دارد. از جمله شاخصرین حزبش حزب کمونیست کارگری ایران که به طور صریح و به طور روشن اعتقاد دارد که این را پیش میبرد که برای اینکه رها شویم در این جامعه باید حکومت اسلامی در کلیتش سرنگون شود. و این اولین قدم است. باید نظام سرمایه داری نابود بشود. این را خیلی روشن این حزب مطرح میکند. ولی فراتر از این حزبی است که معتقد است باید جنبش کارگری، جنبش سوسیالیستی، کمونیستها کل جامعه را نمایندگی کنند، رهایی کل جامعه را نمایندگی کنند. رهایی کودکان، زنان، رهایی محیط زیست، رهایی کل جامعه، برابری زن و مرد را نمایندگی کنند.

جنبش کارگری، رهبران، فعالین، سازماندهان، تمام آن انسانهایی که در جنبش کارگری این همه اعتراضات را سازمان داده اند باید در صف حزب سیاسی متحد شوند. هر چقدر مبارزه سیاسی قدرتمند باشد - حتی آنچنان قدرتمند که حکومت اسلامی را بزیر بکشد- اگر طبقه کارگر، اگر همه آن انسانهایی که آزادی آن جامعه را میخواهند، در قدرت سیاسی نمایندگی نشوند؛ وقتی حکومت اسلامی بزیر کشیده شده است، طبقه کارگر، کمونیستها، سوسیالیستها، آزادیخواهان، برابری طلبان که اکثریت جامعه هستند، در قدرت سیاسی نمایندگی نشوند، نهایتا جنبش مردم به فرجام نمیرسد. این روشن است.

آخرین صحبتم، این است که باید تلاش کنیم – و حزب کمونیست کارگری تمام تلاشش این است که – به این جنبش عظیمی که در ایران شکل گرفته است تحزب بدهیم. هر چقدر این جنبش متحزبتر بشود همانقدر قیامها و انقلابهایی که به طور قطع در ایران – دیر یا زود – فراخواهد رسید، به فرجام رسیدنش و رها کردن کل جامعه واقعی تر خواهد شد.

آخرین نکاتم این است که در اول مه امسال واقعا ما باید تلاش کنیم این جهش و قدمهایی که جنبش کارگری برداشته است را تثبیت کنیم.

دستاوردها زیاد بودند. من تعدادی را شمردم. ولی چهار تا به نظر من خیلی مهم هستند. باید تلاش کنیم اول مه واقعا رنگ این دستاوردها را به خودش بگیرد و به عنوان قدمی کمک کند بعد از اول مه اعتراضات و جنبش کارگری و تلاشهایی که در جامعه میشود به این سمت، به سمت تثبیت این دستاوردها پیش برود.

1. شورا و اداره شورایی جامعه: شورا مهم است. نه فقط برای سازماندهی اعتراضاتی که همین الان در جامعه ایران وجود دارد. شورا مهم است نه فقط برای این، بلکه به این معنا که همین شوراهایی که اعتراضات را دارند پیش می برند در جامعه ایران، بوقت خودش به عنوان نهادها و ارگانهای اداره جامعه ظاهر خواهند شد وقتی مردم قیام کردند، برخاستند و حکومت را به پایین کشیدند و میخواهند سرنوشت خودشان را خودشان به دست بگیرند.

شورا را، همچنانکه گفتم جنبش کارگری با این سخنرانیهایی که دیدیم بالاخره در جامعه ایران به یک حرکت جدی تبدیل کردند. ما باید این را ادامه بدهیم. این گفتمان، این تصویر، این حرکت باید در جامعه ایران وسیعتر شود.

1. اعتصابات سراسری: خیلی روشن است که اعتصابات در ایران دیگر فقط منطقه ای نبود. خیلی از این اعتصابات را دیدیم که واقعا سراسری شد، فرا منطقه ای شد، مثال زدم تعدادی را. این یکی از مهمترین پیشرویهای جنبش ما بود و باید رویش تاکید کرد و وسیعتر کرد.
2. آزادی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی: دوستان عزیز، حکومت اسلامی تعداد زیای را دستگیر کرده است و ما میدانیم که تعداد زیادی در زندان هستند. همین دیروز پریروز هم تعداد زیادی را دوباره دستگیر کرد.

یکی از مهمترین وظایف ما در اول مه امسال برجسته کردن مساله این زندانیان که در اسارت حکومت اسلامی هستند و تلاش در ایران و در جهان برای رهایی این عزیزان است.

1. و نکته آخر، سیل زدگان را نباید فراموش کنیم. ما حکومت اسلامی را خوب میشناسیم. اینها در لحظه ای که مردم زیر سیل غرق میشدند و خانه ها پشت سر هم ویران میشدند، مهر و تسببح، تربت سیدالشهدا می انداختند در رودخانه کارون. ما میدانیم که اینها فقط وعده و وعید خواهند داد. مطلقا به این صدها هزار انسانی که برای سالها وضعیت فلاکت باری خواهند داشت نخواهند رسید.

باید در اول مه امسال، این یکی از خواسته های ما، یکی از تعرضات ما باشد که حکومت اسلامی کیسه هایش را باید شل کند و به نیاز این بیخانمانها، به این همه انسانهایی که زیر سیلی که مسببش هم خود جمهوری اسلامی است و الان در این وضعیت هستند، به نیازهای این سیل زدگان پاسخ دهد.

حکومت اسلامی تا زمانیکه که دوام دارد شرایط زندگی و طبیعت را بدتر خواهد کرد و تهاجمش به طبیعت زمینه سیلهای بعدی را فراهم خواهم کرد. روشن است که رهایی کامل همه مردم که بالاخره هرگز طبیعت نتواند اینچنین در سطح گسترده خانه و زندگیشان را ویران کند، رهایی از خود حکومت اسلامی و نظامی است که این حکومت پاسدارش است و این مستلزم پیشروی جنبش چپ، جنبش سوسیالیستی و اعتراضات رادیکال در کل جامعه ایران است.

خیلی متشکرم.

27 آوریل 2019

توضیح: این متن کتبی سخنرانی در مراسم اول مه 2019 در تورنتو است. سخنرانی عینا پیاده شده است و فقط در بعضی جاها کلماتی برای تامین روانی متن کتبی کم و زیاد شده است.